



گرب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳۹۰ دیهشت ۱۳۹۰

۲۲ آوریل ۲۰۱۱

مصطفی رشیدی

از عاشورا تا روز جهانی کارگر!

اوضاع وخیم سیاسی جریان سبز در ایران بر کسی پوشیده نیست. اضمحلال و تشتت مبتنی بر ناکارایی سیاسی این جریان از یکسال قبل عیان شد. دامنه تظاهرات با سرعت کاهش یافت، روز قفس و آخرین تیرهای ترکش زرادخانه ضد احمدنژادی این جریان قدرت بسیج خود را از دست داد. صد البته نمیشد مدت طولانی در پس "الله اکبر شبانه در پشت بام منازل" تداوم جنبش را وعده داد. سرکوب رژیم بر کسی پوشیده نبود، اما افول سبز قابل پوشاندن در پشت عامل سرکوب نبود. از همان زمان انتقاد و بازبینی و تجدید نظر در مواضع، طیف سردمداران سبز در داخل و خارج کشور را بخود مشغول کرد. بسرعتی باور نکردنی تئوریسینهای سبز ایراد را کشف کردند: "باید از غلظت اسلامی خود بکاهیم، به مردم، به کارگران، به اعتراضات مردم و به مناسبتها ملی دست ببریم". از بهمن گذشته و از ابراز وجود مجدد این جریان، از چهار شنبه سوری سبز ملی - ایرانی که بگذریم، تا حالا روز جهانی سبز زنان را داشته ایم. نوبت اول مه، روز جهانی سبز کارگران هم در راه است!

سبز یک جریان تا مغز استخوان بورژوازی است. این جریانی نه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه برای

صفحه ۲

بیانیه حزب حکمتیست

تحولات مهم خاورمیانه و شمال آفریقا و پیامدهای آن بر ایران

۱- تحولات انقلابی: آغازی نو

شمال آفریقا، خاورمیانه و کشورهای عربی تحولات بزرگ و دوران جدیدی را تجربه میکنند. در وهله اول پیشروی انقلاب تونس و مصر و به زیر کشیدن حاکمان مستبد و فاسد موجی از امید و شادی را در سراسر دنیا و به ویژه در کشورهای عربی دامن زد. بار دیگر اراده کارگران و مردم جان به لب رسیده از پایین جامعه، پیام آور رهایی از فقر و ستم و از استبداد و اختناق شد. زنجیره این اعتراضات اجتماعی به همه کشورهای عربی گسترش پیدا کرد. دولتهای

حسین مرادبیگی

طبقه کارگر این وضعیت را قبول نمیکند

اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر که از ۲۰ فروردین ماه آغاز شد، یک بار دیگر بر ضرورت وحدت درون طبقه کارگر تاکید میکند. تاکید میکند که کارگر نباید پشت کارگر را خالی کرده و او را در مقابل دولت و کارفرمایان تنها بگذارد. نه کارگر شاغل کارگر بیکار را و نه کارگری که در موقعیت بهتری از نظر شغلی نسبت به کارگر بغل دستی خود قرار دارد. نه تنها به خاطر ضرورت وحدت طبقاتی و مبارزه برای رهایی کارگر و جامعه از مناسبات مبتنی بر کارمزدی، بلکه بویژه در شرایطی مانند ایران که موقعیت بسیار نامساعدی را به طبقه کارگر تحمیل کرده اند. طوریکه هر قدم از پیشروی این طبقه در مقابل دولت و کارفرمایان نیازمند مبارزه ای سرسختانه و درجه بالایی از اتحاد در میان خود کارگران است.

جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی دست راستی و تماما ضد کارگر، در عین حال یک سرمایه دار کله گنده، دست و پای کارگر را برای سرمایه داران و کارفرمایان آنچنان بسته است که کارگر مجبور است تمام سال را در مبارزه برای این یا آن حق و حقوق پرداخت نشده خود

سندیکی کارگران شرکت واحد

از خواست بر حق کارگران شرکتی پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حمایت میکنیم

سخنرانی و بحث

در باره فعالیت کمونیستها در

اول ماه مه صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید!

بورژوازی حاکم یکی پس از دیگری مجبور به عقب نشینی های معین سیاسی و اقتصادی شدند. اما این تمهیدات نه تنها نتوانست اعتراضات مردم در این کشورها را سد کند، بر عکس جسارت و اتحاد مردم را برای ادامه جنبش اعتراضی علیه دولتهای حاکم کنونی جدیتر کرد. ادامه اعتراضات وسیع اجتماعی در اکثر کشورهای عربی گواه این واقعیت و آغازی نو بر احیای انقلابیگری و اراده مردم برای به دست گرفتن سرنوشت خود در دنیای معاصر است.

۲- تحولات لیبی و پیامدهای آن

بر بستر این موج اعتراضی که اکثر کشورهای عربی را در بر گرفت، مردم حق طلب لیبی هم به میدان آمدند. بسرعت به کنترل این رژیم بر بسیاری از شهرها و مناطق کشور پایان دادند. یکسره کردن کار هیئت حاکمه و قذافی در چشم انداز بود. اما رژیم فوق ارتجاعی قذافی در عربستان سعودی در بحرین

صفحه ۳



بسر برد. به جای پرداخت یکجای مزد به کارگر دستمزد کارگر را چند تکه کرده اند، برای مثال در همین پتروشیمی ماهشهر، پاداش نفت، پاداش تولید، پاداش بهره وری، پاداش جذب و غیره تا کارگر ناچار شود که هر روز برای تکه ای از

آن به این یا آن بخش و واسطه کاری مراجعه کند. همچنین برای کارفرما و سرمایه دار از حدود ۸۰ درصد کارگران چک سفیدی را به نام قراردادهای موقت گرفته اند که کارفرما هر وقت دلش خواست و با کارگر اعتراضی به بی حقوقی خود کرد، کارگر را از کار اخراج کند.

کارگر دائمی برای حفظ شغل باید مواظب باشد که به موقعیت کارگر قرار دادی تنزل نیابد و کارگر موقت نیز مجبور میشود که در مقابل حقوق ناچیز خود و انواع حق کشی های دیگر سکوت کند مبدا از کار اخراجش کنند.

دستمزد کارگر را امسال ۳۰ هزار تومان بالا برده اند، در حالیکه خط فقر رسمی اعلام شده در ماه ۱ میلیون تومان است. نه از بیمه بیکاری در جامعه برای هر فرد آماده به کار خبری هست و نه از حق مسکن. کارگر بیکار را بدون بیمه بیکاری و حق مسکن که حق اوست در دامن فقر و مصائب آن رها کرده اند. در حالیکه از قبل کار کارگر است که جامعه دم و بازدم خود را ادامه میدهد. از خامنه ای گرفته تا سران ریز و درشت جمهوری اسلامی از آن جیبهای خود را پر میکنند.

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از عاشورا تا روز جهانی ...

حفظ رژیم عمل کرده است. تا اینجا تعبیر مختلفی از سبز داده شده است، اما عمق اسلامی جریان سبز بجای خود باقی مانده است. در بیان دو سال تحرک و جولانداری سبز، در فشرده ترین بیان ممکن، طبقه کارگر و زن و آزادیخواهی و سرنگونی طلبی در فضای سیاسی ایران سخت ترین خسارت را متحمل شد. تغییر ریل و کارگر پناهی امروز را چگونه باید ترجمه کرد؟ با نزدیک شدن اول مه تعداد هر چه بیشتری فراخوان از داخل و خارج منتشر میگردد که کارگران "عزیز و ظلم دیده" را به اعتراض و اعتصاب دعوت میکند. بیکیاره در و دیوار مملو از آفیش هایی شده است که پر سوز و گداز سنگ کارگر به سینه میزنند. آیا در وانفاسی ضد کارگر رژیم نمیشود آنرا به فال نیک گرفت؟ بر عکس. اول مه سال ۱۳۹۰ باید مهر محکمتر جدایی سرنوشت کارگر با کل جریان سبز باشد.

در دل کشمکشهای سیاسی همواره جریانات ارتجاعی بورژوازی بوده اند که عوامفریبانه و با شعارهای پوپولیستی سراغ کارگر رفته اند. همواره جریانات ارتجاعی درون حکومتها وجود داشته اند که وقتی زورشان بهم نرسیده، پای مردم را به میان کشیده اند، اعتراض را در خیابانها دامن زده اند، تا وقت خود دوباره به خانه بازگردانند. جریان سبز حتی در این چهار چوب نمیگنجد. این جریان اسلامیتر، رژیمتر مهمتر از هر چیز به منافع طبقاتی سرمایه دارانه خود وفا دارتر از آنست که چنین ریسکی را مقبل گردد. دو سال پیشتر در بهبوه قدرت بسیج و کیا و بیای خیابانی این جریان، یک کلمه از کارگر و حق کارگر در میان نبود. آنموقع شور و حماسه "رای من کو؟" تعیین تکلیف بسیار روشنی را با طبقه کارگر آن جامعه با خود حمل میکرد. جریان سبز چیزی فراتر از "رای" و ریاست جمهوری موسوی در انبان نداشت، اما با اینحال میشود پرسید چه چیزی دریای آق و نفرت آنها علیه نفس انقلاب را ضروری میساخت؟ این جریان دم از آزادی زده است، جا دارد پرسید کدام جریان ارتجاعی را سراغ دارید در اپوزیسیون و با مردم در خیابان باشد، و در عین حال باندازه جریان سبز تحقیر و تکفیر علیه طبقه کارگر را جار زده باشد؟ این جماعت تا آخرین روز هزیمت نیز با بیرق مخالفت با "گدا پروری" تا توانستند به ریش حمایت دولتی و سوبسید و نیازها و توقعات و موقعیت و حق کارگر

خندیدند. دوره سبز، دوره عفونت در فضای سیاسی ایران گردید، دوره سقوط در مواضع و ساده ترین پرنسیپها برای بسیاری از احزاب و جریانات سیاسی در ایران بود، دوره نان بنرخ روز خوردنها و چرخشها و قایم کردن اطلاعاتیه ها بود. اما حتی در این فضا، حق بجانبی و دو قورت و نیم باقی در فراخوان اول مه سبزها واقعا خنده آور است.

لب کلام فراخوانها در اینستکه "کارگران عزیز" آستین بالا بزنند، در روز اول مه بمیدان بیابند و جنبش سبز را نجات دهند! در قاموس و ادبیات این جریان، طبقه کارگر مدیون و مقصر به حساب میاید چرا که سبز و پرچم آنرا مورد حمایت قرار نداده است. در انظار اینها، امروز که حضرات به گرانی و مضایق زندگی کارگران واقف گشته اند و در سایتها به تعداد مگفی عبارت "عدالت اجتماعی" تکرار شده است، علی القاعده دیگر نباید بهانه ای باقی باشد! اینها از کارگران خواسته اند (برای جبران مافات هم که شده) یک ساعت ناقابل دست از کار بکشند و حمایت خود از جریان سبز را ابراز دارند... گنده دماغی و افاده شترمابانه این جریان دیگر نوبر است!

هر چه هست اما، نباید زیاد به اینها سخت گرفت. نیم نگاهی به یک دوجین احزاب "چپ" و فراخوان اول مه شان بازگو کننده است که اعتماد بنفس گستاخانه سبز از کجا ناشی میگردد. بسختی میتوان باور کرد که چگونه اطلاعاتیه پس از اطلاعاتیه، در عبارتهای مشابه و آشنا، کارگران فراخوانده میشوند که اول مه را صرف رونق تازه "انقلاب" کنند. امروز و در مناسبت اول مه، همه احزاب و جریاناتی که از عاشورای دو سال قبل سبز، حماسه انقلاب و سرنگونی و آزادی ساختند، گرد هم آمده اند. دیدنی است که چگونه پرچمها و تاکتیکها و مناسبتهای فی مابین، از چپ تا راست، از منشور تازه منتشر شده حزب کمونیست کارگری تا منشور دوم و سوم سبز به هم نزدیک میگردد.

فضای سیاسی ایران با تعداد و تنوع گسترده احزاب شناخته میشود که ظاهرا هیچیک، علارغم تشابه در بسیاری مواضع با دیگری سر سازگاری نشان نمیدهد. پدیده سبز یک استثنا، سندی خلاف این قضاوت عمومی از آب درآمد. تنوع باور نکردنی جریانات زیر چتر سبز به یک هسته مرکزی گره خورده است: میتوان از شر ولایت فقیه خلاص شد، میتوان به فرم کنترل شده ای از "سرنگونی" نائل گردید، میتوان قوانین مذهبی را

کنار گذاشت، میتوان با وعده دستمزد ماهانه یک میلیون تومان کارگر را دنبال نخود سیاه فرستاد، اما اساس نظام، سیستم سرکوب و باین معنا اساس تولید سرمایه دارانه را محفوظ داشت. این اکسیر "جادویی" سبز در همراهی بخش مهمی از درون خود رژیم با اپوزیسیون ناسیونالیست تا طیف رنگارنگ کمونیستهای بورژوازی است.

اول مه دقیقا مناسبتی است که طبقه کارگر در ایران باید مرزهای طبقاتی هر چه روشنتری را با جریانات بورژوا - سبز - و ناسیونالیست ترسیم کند. طبقه کارگر هیچ بدهی به کشمکش و تصفیه حساب و "انقلاب" این جریانات ندارد. افق مطلوب این جریانات منافع کارگر را تامین نمیکند. هیچ دلیلی ندارد کارگر با طناب "انقلاب سبز" به چاه دیگری از همان نوع جمهوری اسلامی فرو برود. کارگران در برگزاری اول مه خود، و از جمله با تعطیلی کار، قبل از هر چیز باید بر سیاست بیگانگی با جریان سبز تاکید بگذارند. در روز طبقاتی کارگران و در ایران سال ۱۳۹۰ هیچ پیامی موجه تر از این نیست که: کارگران سیاهی لشکر کشمکش بورژواها نخواهند شد!

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران

شما میتوانی در ایام هفته شونده تکرار برنامه را در این ساعت پخش کنی

www.radiopartow.com/wpl

سندیکی شرکت واحد

از خواست بر حق کارگران شرکتهای پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حمایت میکنیم



از خواست بر حق کارگران شرکتهای پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حمایت میکنیم

هزاران کارگر شرکتهای پیمانکاری مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۴ هیئت وزیران خواهان برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی هستند و به دلیل عدم اجرای این مصوبه دست به اعتصاب زده اند.

سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با حمایت از اعتصاب بر حق این کارگران خواهان تحقق فوری خواستههای آنان و بر چیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا و شرکتهای پیمانکاری در همه مراکز صنعتی و تولیدی و خدماتی و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی کارگران با کارفرمایان است.

سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
فروردین ماه ۱۳۹۰

سخنرانی و بحث

در باره فعالیت کمونیستها در اول ماه مه

سخنران: اسد گلچینی

زمان: جمعه ۲۲ آوریل ۲۰۱۱

ساعت: ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

محل جلسه در پالتاک:

اتاق: Iran Hekmatist Party

Category: Europe Sub-Category:

United Kingdom

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تحولات مهم خاورمیانه و ...

با تایید ضمنی آمریکا و اروپا و بالاگرفتن تنش میان ایران و بحرین و کشورهای خلیج بخشهایی از تلاش ضدانقلاب بورژواامپریالیستی جهانی و دولتهای بورژوایی منطقه در مقابل تحولات انقلابی است که از تونس و مصر آغاز شد.

علیرغم فاکتور منفی دخالت نظامی قدرتهای بزرگ و ناتو و ترفندهای دولتهای منطقه و پیچیده تر شدن اوضاع، جنبش اعتراضی و حق طلبانه در کشورهای منطقه کماکان ادامه داشته و دارد. در یک ماهه اخیر امواج اعتراضات و تظاهراتها در عربستان سعودی، مراکش، الجزایر، بحرین، کویت، اردن و با تداوم بیشتر در عراق و کردستان عراق و یمن و سوریه گسترش پیدا کرده است. امید به اراده مردم برای تعیین تکلیف با حاکمبتهای ارتجاعی کماکان در دستور کار است. به این اعتبار میتوان تاکید کرد که فرصتی تعیین کننده در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم این جوامع باز شده است. فرصتی که طبقه کارگر متحد و متشکل حول سیاست و تحزب کمونیستی میتواند تناسب قوا را به نفع بهبود جدی زندگی و معیشت خود تغییر دهد. عقب نشینی های اساسی به حاکمان سرمایه تحمیل کند و در راستای تعیین تکلیف قطعی با نظامهای استثمارگر سرمایه در این کشورها گام بردارد.

۳- تاثیرات تحولات جدید منطقه بر ایران

ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه در بطن این تحولات قرار دارد و نمیتواند قرنطینه بماند. صورت مسئله برای کمونیسم و حزب کمونیستی دخالتگر دیدن فاکتورهای مختلف تاثیرگذار و به دست گرفتن ابتکار عمل برای استفاده موثر از شرایط مساعد پیش آمده برای پیشبرد جنبش طبقاتی و انقلابی در جامعه است. تاثیرات و بازتاب این اوضاع بر فضای سیاسی ایران را در چند وجه میتوان برشمرد. از جمله:

الف- دینامیسم پایه ای مبارزه علیه فقر و گرانی و علیه استبداد و اختناق و برای آزادیهای سیاسی که انگیزه اصلی به میدان آمدن کارگر و مردم تونس و مصر بود و در اعتراضات مردم ایران ریشه جدی دارد، با الهام از این وضعیت در اعتراضات آتی جامعه ایران موقعیت برجسته تری پیدا خواهد کرد.

ب- انقلاب مصر و تونس از طرفی اعتماد مجدد به تغییر از پائین را در میان طبقه کارگر و مردم معترض تقویت کرده و از طرف دیگر پوچی

امید و چشم دوختن به تغییر از بالا و از طریق دست بدست شدن قدرت میان جناحهای مختلف بورژوازی را بیش از پیش روشن کرد.

این مولفه تناسب قوای مساعدتری را برای پیشبرد مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی فراهم خواهد کرد.

ج - سران جمهوری اسلامی به شدت از اوضاع نگرانند. این را در یکدست کردن هرچه بیشتر خود برای مقابله با مردم و شمشیر را از رو بستن علیه جامعه، در بگیر و ببندها و تشدید سرکوب و تهدید به "خونین کردن" سال آتی توسط سرکردگان جنایتکار سپاه پاسداران، در تلاش برای تحمیل مردم با اتکاء به تبلیغات واهی "گسترش نهضت های اسلامی" در منطقه و درنتش آفرینی با بحرین و دولتهای خلیج، جهت منحرف کردن اذهان عمومی و دیگر ترفندهای شناخته شده نشان داده اند.

د- یک بعد دیگر انعکاس این تحولات در تحرک مجدد جنبشهای بورژوایی اپوزیسیون بر بستر مشترک کنونی آنها یعنی جنبش سبز است. جنبش بورژوایی سبز به بهانه "حمایت از جنبشهای منطقه" تقلا کرد کالبد بی جان خود را زنده کند، که از جانب مردم و جامعه جواب نگرفت و با ناکامی روبرو شد. اکنون حواریون سردرگم چپ و راست آن میخواهند با حک و اصلاح، این جنبش بازنده را در بسته بندی جدید دوباره لانسه کنند. امیدهای واهی ناسیونالیسم ایرانی پروغرب و خاک پاشیدنیهای کمونیسم بورژوایی در چشم کارگر و مردم به "انقلاب مخملی سبز" انعکاس این وضعیت است.

۴- تحولات منطقه و رسالت طبقه کارگر و کمونیسم ایران

تاثیرات این تحولات منطقه ای بر جامعه ایران واضح است، اما چگونگی شکل گیری روندهای سیاسی متأثر از این تحولات از هم اکنون قابل پیش بینی نیست. مولفه های متعدد منطقه ای و کشوری و مهمتر وزن و جایگاه هر یک از جنبشها و احزاب سیاسی در شکل دادن به این روندها تاثیر جدی دارند. ایران کشوری بزرگ و دارای موقعیت ژئوپولیتیک حساس در منطقه است. بورژوازی و طبقه کارگر آن هر دو با استفاده از تجارب انقلاب ۵۷ آگاهتر به منافع خود، تجربه و پختگی بیشتری دارند. سیر تحولات و جابجاییهای قدرت مسیر پیچیده تری را طی خواهد کرد. با شکستن قدر قدرتی جمهوری اسلامی، سناریوهای مختلف به جلو صحنه رانده خواهند شد. یکی از امکانات به تباهی کشاندن جامعه، توسط بورژوازی در پوزیسیون و اپوزیسیون، است. سناریویی که فقط

حضور قدرتمند طبقه کارگر و حزب آن میتواند مانع تحقق آن شود. تنها ضامن تغییر اوضاع به نفع کارگران و مردم و رهایی جامعه از فقر و فلاکت و ستم و استثمار حضور طبقه کارگر آگاه و متحد و متشکل تحت رهبری حزب کمونیستی خود است. بر این اساس طبقه کارگر و کمونیسم طبقه کارگر ایران از هم اکنون باید با هوشیاری تمام خود را برای اوضاع پیش رو آماده کرده و مبتکر تغییر گام به گام تناسب قوا به نفع صف آزادیخواهی و برابری طلبی باشد. سابقه و تجربه مبارزاتی طبقه کارگر و کمونیسم طبقه کارگر ایران این واقعیت را نشان میدهد که برای ایفای چنین نقشی مستعدتر از هم طبقه ایهای خود در دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه است. اما ضامن تحقق این رسالت تماما در گرو به میدان کشیدن صف متمایز کمونیستی کارگری تحت رهبری حزب کمونیستی خود در دل این تحولات بزرگ و کارساز است. در این راستا کمونیسم طبقه کارگر و حزب حکمتیست باید خود را بسرعت برای دوره جدید آماده کرده و در عرصه های زیر جوابگوی وظایف این دوره باشد.

۵- جنبش اعتراضی آتی: سرنگونی جمهوری اسلامی، تامین آزادی و برابری

یکی از تاثیرات قابل پیش بینی تحولات خاورمیانه، بر بطن تناسب قوای جدید منطقه ای، تشدید تحرک اعتراضی حق طلبانه علیه وضع موجود در جامعه ایران است. گسترش مبارزات اقتصادی و مطالباتی طبقه کارگر در مراکز کارگری، شکل گرفتن حرکت اعتراضی علیه فقر و گرانی و علیه استبداد و اختناق و برای آزادیهای سیاسی در آینده محتمل است. جنبش اعتراضی که این بار سربرآورد بر خلاف تحرک اعتراضی دو سال گذشته که تحت هژمونی سبز بود، پتانسیل و سیمای سیاسی اش را نه بر شکافهای درون جمهوری اسلامی و بورژوازی، بلکه بر پایه ای متفاوت از اعماق جامعه بنا میکند و به عنوان صدای رسای میلیونها انسان علیه بانیان گرسنگی و فقر و حاکمیت استبداد و اختناق به میدان میاید. به میدان آمدن هر تحرک اعتراضی انقلابی در ایران خیلی زود به تقابل سیاسی با جمهوری اسلامی گره میخورد. در این راستا سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط هر تحول جدی اقتصادی و سیاسی در حیات طبقه کارگر و مردم خواستار پایان دادن به وضع موجود است. کارگران و مردم آزادیخواه با انداختن جمهوری اسلامی به چیزی کمتر از تامین آزادی و برابری تن نخواهند داد.

بر این اساس سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری محور هر پرچم سیاسی ای است که طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی در جنبش اعتراضی آتی برمی افرازد و بار دیگر و در شرایط تحولات پیش رو بر آن پا میفشارد.

۶- پرچمهای بورژوایی را باید ایزوله کرد.

در بطن تحولات آتی جنبشها و پرچمهای بورژوایی مختلف دوباره به میدان میایند. نقش هر یک از جنبشهای بورژوایی قابل اعتناء سهم بری از قدرت سیاسی علیه کارگر و مردم و صف آزادیخواهی است. در این میان جنبش ناکام مانده سبز هنوز بستر مشترک بخش زیادی از جریانات بورژوایی است. این جنبش با حک و اصلاح خود در دوره آتی با ریاکاری و "رادیکال نمایی" و همسو نشان دادن خود با اعتراض و حق طلبی مردم، چیزی جز "انقلاب سبز مخملی" ضد کارگری و ضد مردمی را وعده نخواهد داد. تجربه دو سال گذشته ارتجاع سبز تحمیل عقب گردی تعیین کننده به همه عرصه های جنبش اعتراضی حق طلبانه در جامعه ایران است. کارگران و مردم آزادیخواه با گفتن "نه" قاطع به پلانقرم و شعار و ترفندها و صف جنبش بورژوایی سبز، با انتخاب صف مستقل خود و با برافراشتن پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری، میتوانند و باید جنبشهای بورژوایی و از جمله جنبش ارتجاعی سبز را ایزوله و به حاشیه برانند.

۷- اتحاد و تشکل طبقاتی حیاتی است طبقه کارگر و صف جنبش اعتراضی هم اکنون و در مصافهای پیش رو به اتحاد و تشکل محکم طبقاتی نیازحیاتی دارد. سه دهه حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی اتحاد و تشکل یابی توده ای را از کارگران و مردم معترض سلب کرده است. در شرایط جدید پیش رو امکان سازمانیابی کارگری و توده ای بیشتر میشود. رهبران و فعالین کمونیست کارگران و مردم آزادیخواه باید از فرصت و فرجه های احتمالی پیش رو برای ایجاد بیشترین اتحاد و تشکل محکم طبقاتی و مبارزاتی اقدام کنند. صف بندی محکم چه در مبارزات کنونی و چه در مصافهای تعیین کننده آتی، سازمانیابی محکم توده ای را میطلبد. جنبش برپائی مجامع عمومی در مراکز و محیط های کارگری در محلات و محیط زیست مردم معترض را میتوان و باید به ستون فقرات سازمانیابی توده ای تبدیل کرد.

۸- تحزب کمونیستی طبقه کارگر یک درس بزرگ تحولات

طبقه کارگر این وضعیت....

ماه مه خود را میخواد. حق تشکل و اعتصاب رسمی خودش را میخواد. بیمه بیکاری و حق مسکن برای هر فرد آماده به کار را میخواد. افزایش دستمزد به حساب خط فقر را میخواد. لغو قراردادهای موقت و واسطه های متعدد کاری و پرداخت حقوق معوقه و دیگر مطالبات کاری خود را میخواد. مخالف اعدام است و خواهان لغو اعدام و خواهان آزادیهای سیاسی بی قید و شرط در جامعه است. خواهان برابری کامل زن و مرد در جامعه است و از آن دفاع میکند.

میداند برای اینکه فشار طبقاتی خود را وارد کند، باید متشکل شود. دارد زور خود را میزند که خود را از این موقعیت بیرون بکشد. میداند که باید از هر تحول سیاسی به نفع خود و پیشبرد اهداف طبقه کارگر استفاده کند. تجربه سی و دو سال گذشته نیز به کارگران و رهبران و فعالین کارگری باید یاد داده باشد که تنها به نیروی طبقه خود متکی شوند. و این تازه همه کارها نیست، فعالیت‌های دیگری نیز لازم است که مستقیماً به آینده و سرنوشت طبقه کارگر و رهایی جامعه مربوط میشود. ضرورت روی آوری بیشتر کارگران به کمونیسم، به مارکس، به گسترش فعالیت کمونیستی بعنوان کارگر کمونیست در میان کارگران و در سندیکا و اتحادیه و در هر تشکلی که خود کارگران ایجاد میکنند، نقد کردن دیگر گرایش‌های درون طبقه کارگر و نشان دادن ضعف‌های آنها به کارگران دور بر خود، ایجاد اتصال و پیوند کمونیستی میان خود و کمونیست‌های طبقه کارگر، دفاع از کمونیسم در عرصه سیاست و در جامعه، از آن نوع فعالیت‌های هستند که بر قدرت اجتماعی کمونیسم کارگری و طبقه کارگر می افزایند. کارگران مواعید و راه‌های غیر کمونیستی زیادی را در تاریخ دیده و هم اکنون نیز شاهد آن هستند. هیچکدام از اینها جواب بنیادی به نیاز طبقه کارگر و جامعه به رهایی را نداده است. رویدادهای این دوره همه جا این را به طبقه کارگر و به رهبران و فعالین کمونیست درون طبقه کارگر یادآور میشود که طبقه کارگر بدون وحدت درونی خود و بدون گسترش این نوع فعالیت‌ها، در تحولات و در تندیجهای سیاسی در میان اقشار مختلف بورژوازی پراکنده میشود. تحولات دنیای امروز و جنگی که طبقه کارگر با بورژوازی در پیش دارد، یک بار دیگر بر این حقیقت و بر لزوم لنگری کمونیستی و کارگری در جهان امروز که مهر خود را بر تحولات این دوره و نسل‌های بعدی بزند، تأکید میکند.

تحولات مهم خاورمیانه و

نسل جوان آزادیخواه و برابری طلبی در جامعه و دانشگاه، به جنبش‌های رهائی از ایران فراهم ساخته است، چرا باید از حکومت مدافع خود گله مند باشند؟ کارگر حق تعطیلی رسمی روز اول ماه مه را ندارد، برای اینکه ثابت کند که این حق اوست باید در این روز خود را به آب و آتش بزند. کارگر اگر حق تشکل مستقل از دولت را خواست درب زندان را به او نشان میدهند و می فرستند زندان و او را از کار اخراج میکنند. در حالیکه هر کارفرما و سرمایه داری حق تشکل خود را دارد و میتواند هر تشکل کارفرمایی را که خواست ایجاد کند. کارفرما میتواند با خواباندن سرمایه خود اعتصاب کند، میتواند از خرید مواد خام خودداری کرده و با آن کارخانه را تعطیل کند، اما کارگر حق اعتصاب ندارد و تا کارگر به این کار کارفرما و به عدم پرداخت حقوق معوقه خود اعتراض و اعتصاب کرد، فوراً پاسدار و نیروی انتظامی گسیل میکنند. هیچ موردی نبوده است که کارفرما و سرمایه دار را به خاطر خواباندن سرمایه اش و یا خودداری از خرید مواد خام جریمه کنند. هیچ موردی نبوده است که کارفرما و سرمایه دار را به خاطر عدم پرداخت یکسال حقوق معوقه کارگر که خود جمهوری اسلامی را نیز بعنوان کارفرما شامل میشود، جریمه کرده و وادار به پرداخت حقوق کارگر کنند.

مدیریت پتروشیمی ماهشهر در جواب به کارگران اعتصابی اعلام کرده است که "حذف بیمانکاری باید با ابلاغیه وزیر نفت اجرا شود" این جواب را به کارگران پتروشیمی تبریز نیز دادند و کارگران با ادامه اعتصاب خود ثابت کردند که کارفرمای پتروشیمی تبریز باید قرارداد واسطه ای را لغو کند. اگر ریگی در کفش هایشان نیست، ابلاغیه وزیر نفت که کار یک ساعت است. چرا آن را صادر نمیکنند؟ کارگر بعد از شش ماه و حداکثر یک سال موقت بودن، باید دائمی شود. اگر هدف گرفتن چک سفید از کارگر برای کارفرما نیست چرا ۸۰ درصد کارگران را زیر شمشیر قرار داد موقت نگاه داشته اند؟ چرا از دائمی کردن آنان خودداری میکنند؟ جمهوری اسلامی با تحمیل این موقعیت به طبقه کارگر در ایران میخواد به کارفرمایان و سرمایه داران نشان دهد که نماینده مدافع بورژوازی از ریز و درشت آن در مقابل طبقه کارگر است. دارد میگوید که خدا و خون و خفقان را نیز برای این کار به یاری طلبیده است. طبقه کارگر در ایران این وضعیت را قبول نمیکند. تعطیلی رسمی روز اول

آخر در مصر و تونس و کشورهای منطقه این است که طبقه کارگر بدون حزب کمونیستی روشن بین اجتماعی و مدعی قدرت سیاسی نمیتواند در نبردهای جاری طبقاتی گام‌های موثر و تعیین کننده بردارد. تجارب مبارزاتی سه دهه اخیر طبقه کارگر ایران و شکل گیری قطب کمونیستی روشن بین پرولتری امکان سازمانیابی کمونیستی طبقه کارگر را مساعدتر کرده است. در دوره پیش رو گرایش کمونیستی طبقه کارگر و کارگران کمونیست میتوانند با اتحاد و تشکل در تحزب کمونیستی و حزب حکمتیست بیش از پیش به نیروی محرکه هدایت کننده همه وجوه فعالیت طبقاتی و اجتماعی خویش متکی شوند. دوره جدید در عین حال دوره تقویت و استحکام تحزب کمونیستی توسط کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر است.

۹- حزب حکمتیست و دوره جدید

الف - بر متن تحولات بزرگ جاری و پیامدهای آن در ایران، حزب حکمتیست متوجه باز شدن فرجه های جدید بر روی طبقه کارگر و کمونیسم پرولتری در ایران بوده و به استقبال آن می‌رود. حزب حکمتیست با درک روشن از این وضعیت جدید توجه طبقه کارگر و به ویژه کارگران کمونیست، رهبران کارگری و فعالین کمونیست همه عرصه های مبارزه اجتماعی را به مصافها و وظایف جدید پیش رو جلب میکند.

ب - حزب حکمتیست پیشاپیش نیروی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی پرچم مبارزه قاطع علیه فقر و گرسنگی، علیه استبداد و اختناق و برای سرنوشت فوری جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری را برافراشته است. حزب ما برای تحقق این هدف به مبارزه آگاهانه و متشکل و ابتکار و خلاقیت کارگران کمونیست و رهبران کارگری در مراکز کارگری در مبارزه اقتصادی برای بهبود زندگی و در جدالهای سیاسی آتی، به اعتراض

جنبش‌های حق طلبانه کارگران و مردم و سازمانها و احزاب رادیکال در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در این دوره به طور ویژه همگامی و حمایت از هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان به عنوان احزاب کمونیستی طبقه کارگر که هم اکنون درگیر اعتراضات اجتماعی گسترده این جوامع هستند، از اهم وظایف خود میدانند و طبقه کارگر در ایران را به حمایت فعال از مبارزات هم طبقه ای های خود فرا میخواند.

کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان

برای دخالت فعالانه در تحولات پیش رو به صف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، به صف حزب حکمتیست بپیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

بیست و نهم فروردین ۱۳۹۰ - هیجدهم آوریل ۲۰۱۱

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی کمونیست

زنده باد سوسیالیسم